# جن

**در قرآن و سنت**

# نوشته:

**حسين تاجي گله داري**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | جن در قرآن و سنت |
| **تألیف:**  | حسين تاجي گله داري |
| **موضوع:** | دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی، انسان، شیطان، جن، ملک و...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه 3](#_Toc238781010)

[توکل بر خدا واجب است 5](#_Toc238781011)

[ايمان به غيبت 8](#_Toc238781012)

[جن 8](#_Toc238781013)

[دليل از قرآن کريم 8](#_Toc238781014)

[دليل از سنت 9](#_Toc238781015)

[عدم رؤيت دليل بر عدم وجود نيست 11](#_Toc238781016)

[جن از چه چيزي آفريده شده است؟ 12](#_Toc238781017)

[چگونه جنهاي کافر با آتش عذاب داده مي‌شوند؟ 12](#_Toc238781018)

[آيا جن مكلف است؟ 14](#_Toc238781019)

[انواع جن 14](#_Toc238781020)

[جاي سكونت جن 15](#_Toc238781021)

[آيا جن مي‌خورد و مي‌نوشد؟ 16](#_Toc238781022)

[جن خود را بشكل و صورت‌هاي مختلف در مي‌آورد 16](#_Toc238781023)

[پناه بردن به جن حرام است 17](#_Toc238781024)

[قرباني كردن براي جن حرام است 18](#_Toc238781025)

[كمك خواستن از جن حرام است 19](#_Toc238781026)

[آيا جن به مردم آزار و اذيت مي‌رساند؟ 19](#_Toc238781027)

[صرع و جن زدگي 19](#_Toc238781028)

[ذكر ادله 20](#_Toc238781029)

[اول- دلیل از قرآن كریم: 20](#_Toc238781030)

[دوم- دلیل از سنت: 20](#_Toc238781031)

[علت جن زدگي چيست؟ 22](#_Toc238781032)

[ما دراينجا بخاطر خلاصه به ذكر علل جن زدگي مي‌پردازيم 22](#_Toc238781033)

[و نشانه‌هاي جن زدگي 23](#_Toc238781034)

[نشانه‌هاي جن زدگي در خواب عبارت است از 23](#_Toc238781035)

[نشانه‌هاي جن زدگي در بيماري 24](#_Toc238781036)

[مشروعيت علاج مس (جن زدگي) 24](#_Toc238781037)

[صفات علاج كننده 25](#_Toc238781038)

[كيفيت علاج 26](#_Toc238781039)

[مرحله اول: قبل از معالجه: 26](#_Toc238781040)

[مرحله دوم: علاج 26](#_Toc238781041)

[مرحله سوم: بعد از علاج: 36](#_Toc238781042)

[چند نصيحت براي در امان بودن از شر جن 37](#_Toc238781043)

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام علي رسول الله وعلي آله وصحبه أجمعين.

خداوند در این جهان پهناور بنابر حکمت خویش موجودات زیادی آفریده است، و هر کدام را برای هدفی خلق کرده است بسیاری از این موجودات با چشم دیده می‌شوند و بسیاری هم قابل رؤیت نیستند، یکی از این موجودات که قابل رؤیت نیستند، جنها هستند که خداوند آنها را مثل انسانها برای عبادت آفریده است. ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56]. آنها موجودات غیبی هستند که قرآن و سنت از آنها صحبت نموده و ایمان آوردن به آنها لازم و ضروری است بطوریکه علمای اسلام اتفاق نظر دارند که هر کس وجود جن را انکار نماید از دایره اسلام خارج می‌شود، زیرا وی در حقیقت قرآن کریم و سنت رسول الله را انکار و تکذیب نموده است.

البته مردم تصورات مختلف و گوناگونی در باره جن دارند، که تصور آنها بستگی به میزان علم و آگاهی آنها دارد.

در جامعه کنونی ما در اثر غفلت از ذکر خدا، و عدم پرهیز از محرمات، و سست شدن پایه‌های اعتقادی، شیطان بر آنان را دچار سر در گمی نموده و از صراط مستقیم منحرف نموده است. زیرا هر چه انسان از خدا دور شود شیطان به وی بیشتر نزدیک می‌شود.

مسئله جن زدگی و راههای علاج آن یکی از مسائل است که این روزها اذهان بسیاری از مسلمانان را بخود مشغول ساخته است، برخی با رفتن به نزد جادو گران و از راه سحر و جادو و طلسمهای شیطانی و برخی دیگر با تو سل به راههای مختلف دیگر، خواهان علاج و شفا از این بیماری هستند، و اگر آنها را از این کارها منع کنیم خواهند گفت: پس راه شرعی آن، در پرتو قرآن و سنت چیست؟

یکی از دوستان از اینجانب خواستند که در زمینه وجود جن و جن زدگی و راه علاج شرعی آن مطالبی بزبان فارسی جمع‌آوری نمایم تا پاسخگوی این عده عزیزان با شد.

بنده با وجود اینکه از نوشتن چنین بحث و وضوعی قاصر و ناتوان بود ولی با استعانت از خداوند تقاضای آن دوست عزیز را لبیک گفتم، و کتاب حاضر را به رشته تحریر در آوردم و همچنین به فرمان رسول الله جامعه عمل پوشیده باشم، که می‌فرماید: «کسی که می‌تواند به برادرش نفع و فایده ای برساند، دریغ ننماید».

و امیدوارم که این کتاب راهنمایی باشد برای برادران مسلمانم و وسیله نجات ما در روز قیامت باشد، آن روزی که مال و دارایی بکار نیاید.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت دارم که همگی ما را از شر شیطان انس و جن محفوظ بدارد.

التماس دعای خیر

حسین تاجی گله داری

20 رجب 1421 هجری

آبان 1379 شمسي

توکل بر خدا واجب است

توکل بر خداوند بزرگ امری است مطلوب و محبوب و خداوند به آن امر نموده و مردم را بسوی آن رغبت داده و متوکلین را ستوده است.

فرموده:

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: 23].

**«**و اگر مؤمن هستید بر خدا توكل كنید».

حال اگر ما مؤمن حقیقی هستیم، باید که بر پرور دگارمان توکل کنیم.

﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ﴾ [الطلاق: 3].

«وهر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است».

﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾ [الممتحنة: 4].

«پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و بازگشت به سوی تو است».

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: 58].

«وتوکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد».

همانا توکل صادق و حقیقی بر خداوند، تعلق قلب به الله واحد، لذت و شیرینی دارد که شخص مؤمن آن را در قلب خود می‌یابد، و اگر کوههای دنیا بر پشتش گذاشته شود و مصیبتها به وی هجوم آورد، و بیماریها بر او چیره شود هرگز لبخند رضایت و قبول از وی دور نمی‌شود.

حضرت عبدالله بن عباس ب می‌فرماید: «حسبنا الله ونعم الوکيل» کلمه‌ای است که حضرت ابراهیم هنگامیکه در آتش انداخته شد فرمود، و محمد فرمود: هنگامیکه گفته شد: ﴿إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ١٧٣﴾ [آل‌عمران: 173]. «همانا مردم برای مقابله با شما نیرو جمع آوری کرده‌اند پس از آنها بترسید، آنان ایمانشان فزونی یافت وگفتند: ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾یعنی: خدا ما را بس است و چه نیک كارسازى است»**.**

ابراهیم خلیل الله، بت شکن زمان، پدر پیامبران † به ما چگونگی توکل بر خدا را می‌آموزد، ابراهیم در محیط و سرزمین کفر زندگی می‌کرد، و پدرش مشرک بود و بت می‌فروخت، ولی ابراهیم از آغاز کودکی توحید و یکتاپرستی در قلبش جای گرفته بود و به شرک و اعمال مشرکین راضی نبود، می‌بینیم که او تبر را بر دوش می‌گیرد و روانه بتکده می‌شود و با دست مبارکش بتها را ریزه ریزه می‌کند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشته و از بتخانه بیرون می‌شود... پس سزایش چنین بود که او را زندانی کردند و گودالی عمیق کندند و هیزم زیادی جمع آوری نمودند، حتی پیرزنان و کودکان زیادی در جمع آوری هیزم شرکت کردند، آنگاه آتش افروخته شد سپس ابراهیم را در منجنیق گذاشتند و درون آن آتش انداختند، او قلبش وابسته به خدا بود و توکلش بر او بود و گفت: (حسبي الله)**.**

پس در آن وقت دشوار و سخت پرور دگارش به فریادش میرسد و ندای الهی می‌آید**:** ﴿قُلۡنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ٦٩﴾ [الأنبیاء: 69]. «گفتیم: اى آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت شو».

آنگاه آن آتش شعله ور به باغی سرسبز مبدل می‌گردد وآتش به وی ضرری نمی‌رساند، مشرکین در اطراف آتش جمع شده بودند و منتظر نتیجه بودند، پس ابراهیم صحیح و سلامت از آتش بیرون می‌آید.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بر آن مردم مؤمن راستگو |  | چو اينگونه گفتند قومی راستگو |
| شما را کشاندند در تنگنا |  | ببايد بترسيد از آن وغا |
| نه تنها نترسند آن قوم رادج |  | که ايمانشان هم بگردد زيادج |
| بگفتند ما راست کافی خدا |  | نگهبان نيکی است آن کبريا |

و معنای توکل این نیست که انسان اسباب را رها کند، بطور مثال معقول نیست که یک انسانی در خانه‌اش و بر رختخوابش بنشیند، و منتظر رزق و روزی باشد که در منزلش وارد شود. در روایات آمده است که روزی عمربن الخطاب عده‌ای از جوانان عبادتگزار را دید که در مسجد نشسته‌اند پس از آنان پرسید: از کجا می‌خورید؟

آنان گفتند: مردم به ما غذا می‌دهند.

او آنان را با دره زد وبه آنان گفت: از اینجا بیرون شوید، زیرا که آسمان طلا و نقره نمی‌باراند.

ولی انسان باید معتقد باشد که خداوند مسبب الأسباب است تمام امور به دست خدا و به مشیت و خواست او می‌باشد، بلکه ما می‌بینیم که حتی حیوانات و پرندگان چگونه با گرفتن اسباب با توکل برخداوند صبح زود برای جستجوی روزی خارج می‌شوند. در حدیث آمده است که رسول الله فرموده است**:** «اگر شما توکل می‌کردید بر خداوند حق توکل، هر آینه روزی داده می‌شدید همچنانکه پرندگان روزی داده میشوند، و در هنگام صبح با شکم خالی بیرون می‌رود و شب با شکم پر بر می‌گردد».

از خداوند مسئلت داریم که توکل حقیقی نصیب ما بگرداند و یک لحظه‌ای ما را بر خود وا نگذارد.

ايمان به غيبت

آنچه که بر ما پوشیده است و خدا و رسولش درباره آن به ما خبر داده غیبت می‌باشد، و ایمان به غیبت، یکی از اصول بنیادی عقیده اسلامی می‌باشد بلکه اولین صفتی است که خداوند در قرآن کریم متقین را به آن توصیف نموده و چنین فرموده است:

﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣﴾ [البقرة: 1-3].

**ترجمه:** «الف، لام، میم، این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیز گاران است، آن کسانی که به غیبت ایمان می آورند و نماز بر پا می‌دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند».

لذا بر هر مسلمانی واجب است که به غیب ایمان داشته با شد، ایمانی که شک به آن راه نداشته باشد.

جن

از چیز‌های غیبی که ایمان داشتن به آن واجب است ایمان داشتن به وجود جن می‌باشد، ادله بسیاری در قرآن کریم و سنت مطهره درباره وجود آنها ذکر شده است.

دليل از قرآن کريم

1- ﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ﴾ [الأحقاف: 29].

«(به یاد آور ای پیامبر) هنگامی که گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند».

2-﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا﴾ [الأنعام: 130].

«ای گروه جن وانس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان باز گو می‌کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟!».

3- ﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ٣٣﴾ [الرحمن: 33].

«ای گروه جن و انس! اگر می‌توانيد از مرزهای آسمانها و زمين بگذريد، پس بگذريد، ولی هر گز نمی‌توانيد مگر با نيرويی (عظيم و فوق العاده‌ای)».

4- ﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا ١﴾ [الجن: 1].

«بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند، سپس گفته‌اند: ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم».

5- ﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦﴾ [الجن: 6].

«و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند».

دليل از سنت

1- امام مسلم از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که فرمود: شبی همراه رسول الله بودیم، ناگهان او را نیافتیم، پس در وادی و دره‌ها وی را جستجو کردیم، پس گفتیم که: ربوده شده، یا ترور شده است، پس به بدترین حالت، شب گذرانیدیم، هنگامی که صبح کریم، دیدیم که او از طرف حراء می‌آید، پس گفتیم: جستجوی شما را کردیم و نیافتیم، سپس به بدترین حالت شب گذراندیم!.

آنگاه رسول الله فرمود: «فرستاده جن نزد من آمد، پس به همراه او رفتم، و بر آنان قرآن خواندم».

عبدالله می‌گوید: سپس همراه ما براه افتاد، و اثر آنان و اثر آتش آنها به ما نشان داد و درباره توشه از رسول الله پرسیده بودند، پس به آنان فرموده بوده:

«هر استخوانی که نام خدا بر آن برده شده، برای شماست، وقتی که بدست تان می‌رسد گوشت بسیار خواهد داشت و هر پشکلی علوفه ی حیوانات تان خواهد بود». سپس رسول الله فرمود:

«پس با این دو استنجاء نکنید، زیرا که غذای برادرانتان (جن) می‌باشد»[[1]](#footnote-1)1.

2- از ابو سعید خدری روایت است که گفت: رسول الله به من فرمود:

«همانا می‌بینم که تو گوسفند و صحرا نشینی را دوست داری، پس هر گاه در بین گوسفندانت و در بادیه ات بودی، آن گاه برای نماز اذان دادی، پس صدایت را بلند کن، زیرا که صدای مؤذن را جن و انس و چیزی دیگری نمی‌شنود مگر اینکه در روز قیامت برای او گواهی می‌دهد»[[2]](#footnote-2)2.

3- از عبدالله ابن عباس ب روایت است که گفت:

رسول الله همراه با گروهی از یارانش به سوی بازار عکاظ رفتند، در حالی که بین شیاطین «جن» و اخبار آسمان پرده و مانع ایجاد شده بود، و آتش پاره «شعله‌ی آتش» به سویشان انداخته شده بود.

پس شیاطین «جنیها» به سوی اقوامشان باز گشتند، پس آنها گفتند: شما را چه شده است؟ گفت:

در میان ما و خبر آسمان پرده و مانع ایجاد شده، آتش به سوی ما انداخته شده است.

گفتند: بین شما و خبر آسمان پرده ایجاد نشده مگر بخاطر حادثه ای که رخ داده است. پس به سوی شرق و غرب زمین بروید ببینید چه چیزی سبب حائل شدن بین شما و خبر آسمان شده است.

سپس آن گروهی که به سوی تهامه رفته بودند، به بازار عکاظ رسیدند و رسول الله همراه اصحابش در نخله نماز صبح را می‌خواندند سپس آنان هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند. آنگاه گفتند: قسم به خدا این آن چیزی است که بین ما و خبر آسمان مانع ایجاد کرده است، پس هنگامی که نزد قومشان برگشتند، گفتند: ای قوم ما، بدون شک که ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم که به سوی رشد هدایت می‌کند پس به آن ایمان آورده ایم، و کسی را با پرورد گارمان شریک نمیگیریم.

پس خداوند بر پیا مبرش نازل فرمود:

﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ﴾ [الجن: 1].

عدم رؤيت دليل بر عدم وجود نيست

عدم رؤیت جن دلیل بر عدم وجود آنها نیست، چه بسا چیزهای در اطراف ما وجود دارد ولی ما آنها را نمی‌بینیم، بطور مثال برق جریان دارد ولی ما آن را نمی‌بینیم، لیکن برای اثبات آن به اثر آن در لامپ و غیره استدلال می‌کنیم، و همچنین هوائی که بوسیله آن وجود آن را احساس می‌کنیم.

بلکه روح که اساس زندگی ما بر آن استوار است و بدن آن می‌میریم، با وجود اینکه آن را نمی‌بینیم و حقیقت آن را نمی‌شناسیم، به موجود بودن آن ایمان داریم. و چیزهای دیگری مثل جاذبه زمین، نیروی آهن ربا (مغناطیس) و غیره نیز می‌توان نام برد.

جن از چه چيزي آفريده شده است؟

بطور قطعی و یقین آیات قرآنی و احادیث نبوی بر این دلالت دارند که جن از آتش آفریده شده است و خداوند می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ١٥﴾ [الرحمن: 15]. «و جن را از شعله آتش خلق کرد».

حضرت عبدالله بن عباس ب می‌فرماید: «من مارج من نار» یعنی: از آتش خالص. و در روایت دیگر می‌گوید: از شعله‌های آتش[[3]](#footnote-3)1.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ٢٧﴾ [الحجر: 27]. «وجن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم».

و ابلیس هنگامی که به سجده کردن برای آدم امر شد چنین گفت: ﴿قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ﴾ [الأعراف: 12]. یعنی: «من از او (آدم) بهترم مرا از آتش آفریده ای، و او را از خاک آفریده‌ای».

و عایشه ام المؤمنین ل می‌گوید: رسول الله فرمودند: «فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، و جن از آتش آفریده شده، و آدم از آنچه که برای شما توصیف شده آفریده شده است»[[4]](#footnote-4)1.

چگونه جنهاي کافر با آتش عذاب داده مي‌شوند؟

این سؤ الی است که خیلی‌ها مطرح می‌سازند، و اگر آنها اندکی تفکر و اندیشه نمایند جواب این پرسش را خواهند فهمید.

پر واضح است که انسان از خاک آفریده شده است ولی اکنون او خاک نیست، فقط اصل وی از خاک بوده است. جن نیز چنین است از آتش آفریده شده ولی اکنون وی آتش نیست دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد.

حضرت عایشه لمی فرماید: رسول الله درحالی که نماز می‌خواندند شیطانی نزدش آمد، آنگاه رسول الله او را محکم گرفت و گلو یش را فشار داد. و رسول الله فرمود: «آنقدر گلویش را فشار دادم، تا اینکه سردی زبانش بر دستم احساس نمودم»[[5]](#footnote-5)1.

از این حدیث چنین نتیجه می‌گیریم که جن اکنون آتش نیست، زیرا اگر آتش می‌بود رسول الله سردی زبان شیطان را بر دست خود احساس نمی‌کرد.

 و در حدیث دیگری آمده که رسول الله فرمودند: «دشمن خدا، ابلیس، شعله ای از آتش جهت قرار دادن آن در چهره ام آورد ...»[[6]](#footnote-6)2.

از این حدیث چنین می‌فهمیم که اگر شیطان بر کیفتی که آفریده شده یعنی (آتش) با قی می‌بود احتیاجی برای آوردن شعله ای از آتش نداشت.

و همچنین رسول الله فرموده است: «شیطان مانند خون در رگ انسان حرکت می‌کند»[[7]](#footnote-7)1.

پس اگر بحالت خودش باقی می‌بود هر آئینه جسد انسان را می‌سوزاند.

و باید گفت: انسانی که از خاک آفریده شده است شکنجه دادن آن بوسیله خاک ممکن می‌باشد و همچنین می‌توان آن را با آب عذاب و شکنجه کرد، پس هیچ جای تعجبی نیست که شیطان و جنی که از آتش آفریده شده بوسیله آتش شکنجه و عذاب شود، زیرا که خداوند بر هر چیز قادر و توانا است.

آيا جن مكلف است؟

می گوئیم: بله، جن نیز مانند انسان مكلف به تكالیف شرع است.

بدلیل فرموده خداوند: ﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا﴾ [الأنعام: 130]. «ای گروه جن وانس! آیا پیامبرانی از شما به سوی شما نیامدند كه آیات مرا برایتان بازگو می‌كردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟!».

و همچنین بدلیل آیه: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٣﴾ [الرحمن: 13]. «پس (ای گروه جن و انس) كدامین نعمتهای پروردگارتان را انكار می‌كنید».

و علمای اسلام براین مطلب اتفاق نظر دارند كه جن نیز مانند انسان مكلف می‌باشد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56]. «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینكه عبادتم كنند».

در نتیجه جن نیز برای عبادت و بندگی آفریده شده است پس پاداش صالحان و نیكو كارانش بهشت و كیفر كافران و ظالمان و بد كارانشان دوزخ می‌باشد.

و همچنین در ابواب گذاشته ذكر نمودیم كه رسول الله برای خواندن قرآن و بیان احكام دین نزدشان رفتند، پس بر این دلالت دارد كه آنها نیز مكلف به امور شریعت و دین اسلام می‌باشند.

انواع جن

جن انواع گوناگون هستند، در حدیث آمده است كه رسول الله فرموده است:

«جن سه صنف و نوع هستند، یک نوعی از آنها پر دارند و در هوا پرواز می‌كنند، و نوعی دیگر مارها و عقربها هستند، و نوع سوم آنها سكونت می‌كنند و كوچ نمی‌نمایند»[[8]](#footnote-8).

جاي سكونت جن

جن بیشتر جاهای خلوت و صحرا، مكانهای كه در آن كسی زندگی نمی‌كند، می‌پسندد، و بدین خاطر بود كه رسول الله برای دعوت دادن آنان بسوی الله و خواندن قرآن برایشان به صحرا می‌رفتند، چنانكه در احادیث آمده است.

و برخی دیگر از جنها در جاهای كثیف و زباله سكونت می‌كنند، و این بخاطر اینست كه آنها باقی مانده غذای انسانها را می‌خورند چنانكه در حدیث ذكر شده است.

برخی دیگر آنها همراه انسانها در منازل سكونت می‌كنند.

و همچنین در حمامها و دستشویها (توالت) نیز زندگی می‌كنند، در این جاها بیشتر جنهای كافر زندگی می‌كند زیرا كه آنها جاهای نجس و كثیف را بیشتر دوست دارند و از بوی خوب بخصوص بوی مشک بدشان می‌آید.

و همچنین در شكافها و سوراخها نیز زندگی می‌كند، در حدیث آمده است كه: «رسول الله از ادرار كردن در سوراخ نهی نموده است»[[9]](#footnote-9)1.

از قتاده یكی از راویان این حدیث پرسیده شد: برای چه ادرار در سوراخ كراهت دارد؟ گفت: گفته می‌شود كه محل سكونت جن می‌باشد.

و جن در محل خوابیدن شتر نیز زندگی می‌كنند چنانكه در حدیث آمده است:

براء بن عازب گوید: از پیامبر درباره نماز خواندن در استراحت‌گاه شتران سوال کردند، پیامبر فرمود: «لاَ تُصَلُّوا فِى مَبَارِكِ الإِبِلِ فَإِنَّهَا مِنَ الشَّيَاطِينِ» «در استراحت‌گاه شتران نماز نخوانید چون از شیاطین است»[[10]](#footnote-10)1.

آيا جن مي‌خورد و مي‌نوشد؟

احادیث صحیح وارد شده است كه جن می‌خورد و می‌نوشد، حضرت ابو هریره روایت می‌كند او همراه پیامبر بود، و برای ایشان آب برای قضای حاجت و وضویش با خود حمل می‌كرد، روزی همراه با آب دنبال رسول الله می‌رفت پس رسول الله فرمود: این كیست؟ وی گفت: من ابو هریره هستم، رسول الله فرمود: «برایم چندین سنگ جهت طهارت گرفتن بیار، و استخوان و سرگین نیار»، پس من سنگها را در حالی كه در پیراهن خود گرفته بودم آوردم و نزد رسول الله گذاشتم، تا اینكه ایشان فارغ شدند همراه ایشان به راه افتادم سپس عرض كردم: استخوان و سرگین چه كارشان است؟

فرمود: «آن دو غذای جن می‌باشد، چونكه وفد جن نصیبین نزد من آمدند- و چه جن خوبی– آنگاه از من توشه طلب كردند، من برایشان از خدا خواستم و دعا كردم كه به هیچ استخوان و سرگینی گذر نكنند مگر اینكه برآن غذا بیابند»[[11]](#footnote-11)1.

و حضرت عبدالله بن عمر ب روایت می‌كند كه: «خواست غذا بخورد پس با دست راست بخورد، و هر گاه خواست آب بنوشد پس با دست راست بنوشد، زیرا كه شیطان با دست چپ غذا می‌خورد و بادست چپ آب می‌نوشد»[[12]](#footnote-12)2.

جن خود را بشكل و صورت‌هاي مختلف در مي‌آورد

خداوند بزرگ و قادر این قدرت را به جن داده تا خود را به صورت‌های مختلف و گوناگون در آورند، و در احادیث بسیار این حقیقت ثابت می‌باشد كه آنها بیشتر بصورت سگ سیاه، گربه سیاه، و مار و عقرب برای انسان ظاهر می‌گردند.

و همچنین جن بشكل و صورت انسانها نیز ظاهر می‌گردد چنانكه در روز بدر شیطان به صورت سراقه بن مالک برای مشركین ظاهر شد و گفت: امروز كسی بر شما غلبه نمی‌كند و من حامی و پشتیبان شما هستم[[13]](#footnote-13)1.

همچنین جن خود را به شكل شتر، گاو، گوسفند، اسب و قاطر و الاغ، و پرندگان نیز در می‌آورد...

پس اگر جن در صورت و شكلهای كه گفتیم آشكار شود می‌توانیم آنها را مشاهده كنیم و در صورت و شكل اصلی كه خداوند آنها را آفریده است دیدن آنها ممكن نیست چنانكه در قرآن كریم آمده است:

﴿إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡ﴾ [الأعراف: 27]. «شیطان و همدستانش شما را می‌بینند از جایی كه شما آنها را نمی‌بینید».

پناه بردن به جن حرام است

خداوند در قرآن كریم از زبان جن حكایت می‌كند كه گفتند: ﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦﴾ [الجن: 6].

امام ابن كثیر در تفسیر این آیه می‌نویسد: یعنی ما جنیها چنین می‌پنداشتیم كه برانسانها برتری داریم زیرا كه آنها هرگاه در دره ای یا جای و حشتناكی در صحرا و بیابان منزل جاهلیت اینچنین بود كه به بزرگ جن در آن منطقه و مكان پناه می‌بردند مبادا كه به آنها بدی و آسیبی برسد، پس جنیها هنگامی كه دیدند انسانها از آنها ترس و وحشت دارند، سعی كردند بیشتر آنها را مرعوب كرده و بترسانند، تابیشتر به آنها پناه بیاورند...[[14]](#footnote-14)1.

پناه بردن به جن شرک است، و خداوند چیزی بهتر از این به ما عطا كرده است، خوله دختر حكیم می‌گوید، از رسول الله شنیدم كه می‌فرماید:

«هرگاه یكی از شما در جایی منزل گرفت، آنگاه أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق»[[15]](#footnote-15)1 بگوید، تا زمانیكه در آن منزل هست و كوچ نكرده چیزی به وی آسیب نمی‌رساند»[[16]](#footnote-16)2.

قرباني كردن براي جن حرام است

علمای اسلام بر این مسئله اتفاق نظر دارند كه برای جن قربانی كردن حرام، بلكه شرک است، زیرا كه این قربانی برای غیر خدا است، و هرگز خوردن گوشت آن برای مسلمان روا نیست چه رسد به اینكه شخص مسلمان این كار را انجام دهد.

باید ذبح و قربانی برای تقرب به درگاه الهی انجام بگیرد، و كسی كه برای غیر خدا ذبح می‌كند در شریعت اسلام ملعون نامیده شده است.

حضرت علی بن ابی طالب از رسول الله روایت می‌كند، كه فرمود: «خداوند لعنت كند كسی كه برای غیر از خدا ذبح می‌كند»[[17]](#footnote-17)1.

ولی با وجود این افراد جاهل و نادانی دیده می‌شود كه برای گشودن سحر با علاج شخص مصروع (جن زده) نزد ساحر و آن كسانی كه با جن رابطه دارند می‌روند.

و آنها نیز حیوان‌های با اوصاف خاص طلب می‌كنند، سپس آن را ذبح می‌كنند و خون آن را به بدن مریض می‌مالند، آنگاه دستور میدهند كه آن را در فلان چاه بیندازند، و در هنگام انداختن نام خدا را نگیرند، اگر چه همان ذبح برای جن است كه از آن نهی شده است، اگر چه آن ساحر نگوید كه: برای جن ذبح می‌كند، چونكه اعمال و كردار انسان بستگی به نیت دارد.

كمك خواستن از جن حرام است

راه و روش سحرگران و شعبده بازان بر كمک و مدد جستن از جن و شیاطین استوار است، و مدد خواستن از غیرخداوند شرک است، باید بگویم كه: شیطان و جن هیچ وقت خدمتی برای ساحر انجام نمی‌دهند مگر در صورتی كه سحر گر با گفتن سخنی كفر آمیز و یا با انجام دادن عمل كفری كافر گردد، و هر چه بیشتر نافرمانی و سرپیچی امر خداوند بكند شیاطین بیشتر به او نزدیک می‌شوند، و اطاعتش را بیشتر بجا می‌آورند، این تعویذات و طلسمهای كه افراد ساحر می‌نویسند بیشتر آنها كلمات شرک آمیز و كفر است كه با حروف غیر مفهوم نوشته‌اند. و همچنین طلب مدد از اولیای جن و شیاطین می‌باشد. هر چند كه بعضی از كلمات و آیات قرآن برای فریب دادن مردم نادان با آن شامل می‌كنند تا مردم چنین گمان كنند كه آنها با استفاده از كلمات قرآن تعویذ و دعا می‌نویسند.

آيا جن به مردم آزار و اذيت مي‌رساند؟

با دلایل مختلف نقلی و عقلی ثابت شده كه جن به انسان آزار و اذیت می‌رساند. و این آزار و اذیت یا بدین خاطر است كه انسان به خاطر آنها آزار رسانده مثلاً برسرشان آب گرم ریخته یا برآنان ادرار كرده، یا اینكه در منزلشان منزل نموده، پس از وی انتقام می‌گیرند و به وی آزار و اذیت می‌رسانند.

و یا بدون هیچ گونه علت و سببی می‌خواهند به وی آزار برسانند. و این فقط یک نوع ظلم و ستم است همچنانكه انسانها هنگامی كه سرشتشان دگرگون می‌شود و ایمانشان ضعیف می‌گردد، برخی نسبت به برخی دیگر ستم روا می‌دارند.

صرع و جن زدگي

صرع عبارت است از اختلالی كه در عقل انسان بوجود می‌آید، بطوری كه نداند چه می‌گوید و چه گفته است، و شخص مصروع قادر به كنترل حركات خود نیست.

و صرع بر دو نوع است: 1- صرع توسط نفوس و ارواح خبیث و بد (كه همان جن زدگی است) 2- صرع بخاطر اخلاط.

و این نوع صرع، اطباء درباره سبب و علاج آن سخن می‌گویند، و نوع اول آن بسیاری از اطباء و عقلانیها آن را انكار می‌كنند ولی باید بگوئیم كه این نوع از انواع صرع با نقل و عقل ثابت شده و چیزی است كه مشاهده می‌شود و جای انكار نیست.

ذكر ادله

اول- دلیل از قرآن كریم:

خداوند می‌فرماید:﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّ﴾ [البقرة: 275]. «كسانی كه ربا می‌خورند (در روز قيامت) بر نمی‌خيزند مگر مانند كسی كه بر اثر تماس شيطان ديوانه شده . . .».

امام قرطبی می‌گوید:

«این آیه دلیل است بر باطل بودن گفتار كسانی كه صرع توسط جن را انكار كرده‌اند، و گفته‌اند: شیطان در بدن انسان راه ندارد . . . »[[18]](#footnote-18)1.

دوم- دلیل از سنت:

1- عطاء ابن ابی ربا ح می‌گوید: عبدالله ابن عباس م به من گفت: آیا می‌خواهی زن بهشتی به تو نشان دهم؟

گفتم: بله، گفت: این زن سیاه، نزد رسو ل الله آمده و عرض كرد یا رسول الله من مبتلا به صرع هستم و در وقت صرع بدنم نمایان می‌شود، پس برایم دعا بفرما. رسول الله فرمود: «اگر خواستی صبر كنم و پاداشت بهشت خواهد بود و اگر خواستی برایت از خداوند دعا طلب میكنم تا تو را شفا بدهد؟». پس وی گفت: صبر میكنم، پس گفت: ای رسول الله بدنم لخت و نمایان می‌شود پس از خداوند بخواه تا اینكه نمایان و لخت نشوم، آنگاه رسول الله برایش دعا كرد[[19]](#footnote-19)1.

در روایت بخاری آمده كه نام آن زن ام زفر بود[[20]](#footnote-20)2.

امام ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: در روایت بزار آمده كه آن زن گفت: «من از خبیث می‌ترسم كه مرا برهنه سازد» و مراد از خبیث شیطان می‌باشد.

و صرعی كه ام ظفر به آن مبتلا می‌بود از انواع صرع « جن زدگی» بود[[21]](#footnote-21)1.

2- امام احمد از یعلی ابن مره روایت می‌كند: زنی نزد رسول الله آمد در حالی كه فرزند خرد سالش كه بیمار بود «جنی شده بود» با خود همراه آورده بود. آنگاه رسول الله فرمود**: «**بیرون شو ای دشمن خدا، من رسول الله هستم»، در نتیجه آن كودک شفایاب شد[[22]](#footnote-22)2.

و در بعضی از الفاظ این حدیث آمده: ما هموراه رسول الله در سفر بودیم، آنگاه زنی را دیدیم كه نشسته است و كودكی همراه وی می‌باشد. پس عرض كرد: ای رسول خدا، به این كودک بلا رسیده و به بخاطر بلای او ماهم در بلا هستیم، و در شبانه روز نمیدانیم او را می‌گیرد رسول الله فرمود: «كودک را به من بده» آنگاه آن زن كودک را بلند كرد و به رسول الله داد رسول الله كودک را در میان خود و پالان شترش قرار داد، سپس دهانش را باز كرد و سه بار در آن دمید و فرمودند: «بسم الله إن عبدالله، أقصا عدو الله» آنگاه كودک را به مادرش برگرداند.

و فرمود: «در هنگام برگشتن در این جا ما را ملاقات كن و ما را از حال او با خبر ساز».

یعلی ابن مره می‌گوید: پس ما رفتیم و برگشتیم، پس آن زن را در آنجا دیدیم كه با خودش سه گوسفند دارد.

آنگاه رسول الله فرمودند: «كودكت چگونه است؟» گفت: قسم به آن ذاتی كه تو را به حق فرستاده است تا این لحظه چیزی از آن ندیده ایم. و این گوسفندان را بردارید، رسول الله به من فرمود: «پائین بیا و یكی را بردار و بقیه به وی برگردان»[[23]](#footnote-23)1.

علت جن زدگي چيست؟

شیخ الإسلام ابن تیمه درباره جن زدگی می‌گوید: گاهی بخاطر عشق و شهوت می‌باشد، و بیشتر بعلت دشمنی و مجازات صورت می‌گیرد، یعنی اینكه برخی انسانها به آنها آزار و اذیت برسانند، و یا اینكه جنیها چنین گمان كنند كه آنها از روی عمد آزار و اذیتشان می‌كنند، با ادرار كردن بر آنها، یا با ریخت آب گرم، و یا كشتن بعضی از آنان، اگر چه خود انسان این را نداند، و جهل نادانی و ستم در بین جن بسیار وجود دارد، پس آنان در هنگام عقوبت و مجازات كردن بیش از آنچه كه سزاوار باشد عقوبت می‌دهند. و گاهی اوقات مانند انسانها احمق و نادان بخاطر پوچی و بیهودگی و اذیت كردن وارد بدن انسان می‌شوند.

ما دراينجا بخاطر خلاصه به ذكر علل جن زدگي مي‌پردازيم

**1-** عشق، (پری) زن جنی عاشق مرد انسی شود و یا اینكه مرد جنی عاشق زن انسی شود.

2- داخل شدن جنی از راه سحر، این چنین است كه جادوگر بخاطر آزار و اذیت فلان شخص او را مامور داخل شدن به بدنش می‌نماید.

3- ستم انسان به آنها، و یا با ریختن آب گرم بر آنان، و یا با افتادن بر رویشان، و یا با ادرار كردن بر آنان.

4 - ستم جن به انسان، و آن اینكه بدون هیچگونه سبب وارد بدنش گردد و او را اذیت نماید و این در یكی از حالات زیر امكان دارد:

1. خشم زیاد.
2. ترس بسیار.
3. غوطه ور بودن در شهوات و گناهان.
4. غفلت بسیار.
5. اندوه بسیار.
6. خوشحالی زیاد

 و نشانه‌هاي جن زدگي

بسیار جن زدگی مانند سایر بیماریها دارای علامت و نشانههای خاص خودش می‌باشد، و دانستن این علامت‌ها برا ی معالجه كننده و اهمیت دارد. و این نشانه بر دو بخش تقسیم می‌شود:

1. علامت و نشانه‌های آن در خواب.
2. علامت آن در حالت بیداری.

نشانه‌هاي جن زدگي در خواب عبارت است از

1. پریشان بودن و به خواب نرفتن.
2. بار بار بیدار شدن در شب.
3. كابوس، (یعنی: انسان در خوابش چیزی ترسناک می‌بیند و نمی‌تواند حركت كند و كسی را بفریاد بطلبد).
4. خوابهای وحشتناک.
5. بطور استمرار حیواناتی را مانند: گربه، و سگ، و شتر، و مار، و شیر، و روباه، وموش در خواب دیدن.
6. خنده یا گریه و فریاد در خواب.
7. در خواب ناله كردن.
8. بدون شعور از خواب بلند شدن و در حال خواب راه رفتن.
9. افرادی را در خواب ببیند كه دارای قد بسیار بلند یا بسیار كوتاه باشند یا یا اشخاص سیاهی را ببیند.

نشانه‌هاي جن زدگي در بيماري

1. درد سر دائمی، (مشروط بر اینكه شخص مبتلا به بیماری در چشم، یا گوش یا بینی یا حلق دندان یا معده نباشد).
2. از ذكر خدا و نماز و عبادت كراهت داشتن.
3. پریشانی خیالی.
4. احساس تنگی در سینه.
5. میل به گوشه نشینی.
6. بخواب رفتن انگشتنان دست و پا.
7. درد كردن عضوی از اعضای بدنش كه پزشكان از علاج آن عاجز باشند.
8. شنیدن صداهای عجیب و غریب.
9. غش كردن.

مشروعيت علاج مس (جن زدگي)

بدون شک داخل شدن جن به بدن انسان از جمله ظلم و ستمی كه شریعت اسلام از آن نهی كرده، و از بین بردن ظلم از جمله كارهای است كه به انسان اجر و پاداش داده می‌شود. و رسول الله ما را امر نموده: كه به فریاد مظلو مان برسیم و آنان را یاری نمائیم. و در حدیثی فرموده: «انصر أخاك ظالـما أو مظلوما..»[[24]](#footnote-24)1.«برادرت را یاری كن خواه ظالم باشد یا مظلوم، اگر ظالم است او را از ستم بازدار كه این یاریش می‌باشد».

و در حدیث دیگر فرموده:

«من استطاع أن ینفع أخاه فلیفعل»[[25]](#footnote-25)2. «كسی كه می‌تواند به برادرش فایده ای برساند پس آن كار را انجام دهد».

پس شخص علاج كننده با تلاوت قرآن و خواندن ادعیه و اذكار شرعی به یاری آن مظلوم می‌شتابد تا آن جنی ظالم را از بدن وی بیرون كند.

صفات علاج كننده

1. اخلاص داشته باشد.
2. دارای عقیده صحیح باشد.
3. متمسک و پابند به احكام قرآن و سنت باشد.
4. به راههای شیطان و احوال جن آگاهی داشته باشد.
5. دارای علم و آگاهی باشد، بویژه به اصول دین و امور دعوت.
6. برطاعت و عبادت خداوند مداومت داشته باشد.
7. از محرمات اجتناب كند.
8. از بدعت دوری كند.
9. بر ادعیه و اذكار و اوراد محافظت نماید. و...

كيفيت علاج

علاج دارای سه مرحله است:

مرحله اول: قبل از معالجه:

1. برخداوند توكل نماید و دعا كند كه خداوند گشایشی بدهد و او را در این امر یاری كند.
2. پاک ساختن آن خانه و مكانی كه علاج در آن صورت می‌گیرد، با بیرون بردن عكس و چیزهای منكری كه مانع ورود فرشتگان می‌گردد.
3. بیرون آوردن تعویذ و دعاهای كه در گردن و بازوی مریض است.
4. امر كردن زنان به رعایت حجاب كامل و اینكه همراه با محرم باشد.
5. برطهارت و پاكیزه بودن، پس شخص معالج و حاضرین و ضو بگیرند.
6. چند دقیقه‌ای درباره ایمان بخدا و توكل بر او برای حاضرین صحبت كردن.

مرحله دوم: علاج

دست خود را بر روی سر بیمار بگذارد، و با ترتیل و صدای بلند آیات زیر را گوشش بخواند.

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

1. ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة: 1-7][[26]](#footnote-26).
2. ﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾[[27]](#footnote-27) [البقرة: 1-5].
3. ﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤﴾[[28]](#footnote-28) [البقرة: 163-164].
4. ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥ لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦ ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾[[29]](#footnote-29) [البقرة: 255-257].
5. ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾[[30]](#footnote-30) [البقرة: 285-287]**.**
6. ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨ إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾[[31]](#footnote-31) [آل‌عمران: 18-19].
7. ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾[[32]](#footnote-32) [الأعراف: 54].
8. ﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾[[33]](#footnote-33). [المؤمنون: 115-118].
9. ﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ٣ إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦ وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ٨ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ٩ إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ١٠﴾[[34]](#footnote-34) [الصافات: 1-10].
10. ﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ ٢٩ قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٠ يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٣١ وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٣٢﴾[[35]](#footnote-35) [الأحقاف: 29-32].
11. ﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ٣٣ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٤ يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٥ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾[[36]](#footnote-36) [الرحمن: 33-36].
12. ﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾[[37]](#footnote-37) [الحشر: 21-24].
13. ﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا ١ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَ‍َٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا ٢ وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣ وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطٗا ٤ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ٥ وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦ وَأَنَّهُمۡ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ أَحَدٗا ٧ وَأَنَّا لَمَسۡنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدۡنَٰهَا مُلِئَتۡ حَرَسٗا شَدِيدٗا وَشُهُبٗا ٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِۖ فَمَن يَسۡتَمِعِ ٱلۡأٓنَ يَجِدۡ لَهُۥ شِهَابٗا رَّصَدٗا٩﴾[[38]](#footnote-38) [الجن: 1-9].
14. ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾[[39]](#footnote-39) [الاخلاص: 1-4].
15. ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾[[40]](#footnote-40) [الفلق: 1-5].
16. ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾[[41]](#footnote-41) [الناس: 1-6].

بعد از تلاوت آیات یا جنی از بدن آن شخص بیرون می‌شود و یا اینكه یكی از حالات زیر مشاهده می‌شود:

1. مریض غش می‌كند.
2. فریاد می‌زند.
3. دست بر گوشهایش می‌گذارد.
4. فریاد می‌زند و می‌گوید: قرآن نخوان.
5. صداهای عجیبی مانند صدای حیوانات بیرون می‌آورد.
6. چشمانش را می‌بندد.
7. بدنش شروع به لرزش می‌كند.

آنگاه بعد از مشاهده این علامات او را مخاطب قرار بده و از وی سوالها بپرس:

* نامت چیست؟
* چه دیانتی داری؟
* علت داخل شدن به بدن این شخص چیست؟
* آیا كسی دیگر نیز همراه تو است؟
* آیا به دستور شخص سحر گری به بدن این شخص داخل شده ای؟
* در كجای بدن هستی؟

پس اگر جنی مسلمان باشد او را پند و اندرز بده و او را نصیحت كن، و سبب داخل شدنش را بدان، اگر بخاطر ظلم و ستم این كار كرده برایش بیان كن كه سر انجام ستمكاران در روز قیامت سخت است، اگر مسئله عشق و عاشقی است بگو: این عمل درست نیست و او را از عذاب الهی بترسان، واگر بخاطر این بوده كه شخص در حق او ستم كرده برایش بگو: این شخص قصد آزار و اذیت نداشته زیرا تو را ندیده، و كسی كه متعمدا كاری نكرده سزاوار عقوبت نیست، و مسلمان برادر مسلمان است.

پس اگر پذیرفت و بیرون شد خدا را سپاس بگوئید.

و قبل از بیرون شدنش باید عهد ببندد كه دیگر برنگردد و به كسی آزار نرساند، و چنین بگوید:

«با خدای بزرگ عهد و پیمان می‌بندم كه بدون آزار و اذیت از بدن این شخص بیرون شوم، و هرگز بسوی او یا مسلمان دیگری برنمی گردم و هیچ مسلمانی را اذیت نكنم، اگر من عهد خودم را شكستم پس لعنت و نفرین خداوند و فرشتگان و همه مردم بر من باد».

بعد از عهد بستن با گفتن سلام علیكم از بدن بیرون می‌شود. و نكته ای كه باید توجه داشت این است كه باید از انگشتان دست یا پایش، و یا گوش و یا بینی و یا دهانش بیرون شود. و هرگز به وی اجازه ندهید كه از چشم یا شكمش بیرون شود.

- اما اگر جنی كافر باشد قبل از هر چیز او را به اسلام دعوت بده، پس اگر پذیرفت و مسلمان شد برایش بیان كن كه و جودش در بدن این شخص و آزار رساندن به وی ظلم است و باید از او بیرون شود.

و در صورت نپذیرفتن اسلام و اصرار بر كفر و اذیت و آزار این شخص، او را تهدید كن و آن آیات سابق را تكرار كن و«آیت الكرسی»و سوره‌های «یس» و«صافات» و «دخان» و «جن» و «حشر» و «همزه» و «أعلی» كه به جن آزار و رنج می‌رساند بخوان.

اگر باز هم از بیرون شدن انكار كرد با زدن برشانه‌ها و ران و بازویش او را مجبور به بیرون رفتن بكن.

مرحله سوم: بعد از علاج:

برای اینكه جنی نتواند بار دیگر به بدن این شخص برگردد لازم است كه به وی دستورات زیر داده شود:

1. پایبندی و محافظت بر طاعت و عبادت، و بخصوص نمازهای پنجگانه را با جماعت خواندن.
2. دوری از گناهان و منكرات.
3. خواندن «سوره بقره»در منزل.
4. با وضو خوابیدن.
5. خواندن آیت الكرسی قبل از خواب.
6. خواندن دعای خواب.
7. خواندن «سوره تبارك»قبل از خوابیدن، اگر سواد خواندن ندارد به نوار یا قرائت كسی گوش فرا دهد.
8. خواندن «سوره یس»یا گوش گرفتن آن در هنگام صبح.
9. در انجام هر كاری«بسم الله**»** گفتن.
10. خواندن اذكار و اوراد صبح وشام.
11. تنها نخوابیدن.
12. اگر مریض زن است باید او را به اداء كردن حق شوهر، و رعایت حجاب شرعی امر كرد.
13. خواندن سوره یا یا جزئی از از قرآن یا شنیدن آن در شبانه روز.

چند نصيحت براي در امان بودن از شر جن

1. بر اذكار و اوراد صبح و شام محافظت كن.
2. قرآن را بسیار تلاوت كن و یا به آن گوش فرا بده.
3. هرگاه از جای بلندی پریدی «بسم الله» بگو.
4. هرگاه آب داغ روی زمین رختی «بسم الله» بگو.
5. هرگاه وارد اتاق تاریكی شدی «بسم الله» بگو.
6. هر گاه چیز سنگینی بر زمین انداختی «بسم الله» بگو.
7. هرگز در سوراخ ادرار نكن.
8. تنها نخواب، در صورت مجبور بودن حتما با وضو بخواب اذكار خواب را فراموش نكن.
9. به سگی یا گربه ای آزار نرسان.
10. به تنهای در شب به صحرا نرو.
11. ماری كه در منزل دیده می‌شود نكش، و در این مسئله به نكات زیر توجه كن:

- هر گاه در خانه ات ماری دیدی سه روز به او هشدار بده و به او بگو: «شما را قسم می‌دهم به آن عهدی كه سلیمان بن داود از شما گرفته است كه به ما آزار و اذیت نكنید و دوباره ظاهر نشوید»[[42]](#footnote-42)1.

اگر بعد از سه روز دوباره آشكار شد او را بكش.

- اگر بعد از سه روز دوباره ظاهر شد و او را كشتی پس در این صورت یا شیطان است یا جن یهودی یا مسیحی است و یا جن مسلمان سركش و ستمگری است و یا مار حقیقی است.

هرگاه در خانه ماری دیدی كه دو خط سفید یا سیاه روی كمرش است، و یا مار دم كوتاهی دیدی فورا او را بكش چون كه پیامبر اسلام دستور كشتن مارهایی كه دارای چنین صفتی هستند داده‌اند.

- در خارج از منزل هر نوع ماری كه دیدی بكش زیرا كه پیامبر فقط از كشتن مارهای كه در خانه است نهی نموده است.

در پایان از خداوند كریم خواهانم كه به فضل كرم خویش گناهانم را عفو نماید.

و رفتگانم را بیا مرزد و آنان را در فردوس برین جای دهد.

وهمه‌ی ما وشمارا از شر شیاطین مصون و در امان بدارد.

والسلام علیكم ورحمة الله وبركاته

حسین تاجی گله داری

بیست رجب 1421 هجری

1379 شمسي

1. - صحیح مسلم: 450». [↑](#footnote-ref-1)
2. - صحیح بخاری: 609». [↑](#footnote-ref-2)
3. - به تفسیر ابن کثیر (7 / 652) «سوره الرحمن» رجوع شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. - این حدیث را امام مسلم (2996) روایت کرده است . [↑](#footnote-ref-4)
5. - این حدیث صحیح است، و امام نسائی در سنن کبری (11439) روایت کرده است . [↑](#footnote-ref-5)
6. - امام مسلم روایت کرده است شماره (542) . [↑](#footnote-ref-6)
7. - این حدیث را امام بخاری (3281) و امام مسلم (2174) روایت کرده اند . [↑](#footnote-ref-7)
8. - حدیث صحیح است, امام طبرانی در معجم الكبیر (22/214) و ابن حبان در صحیح (6156) و حاكم در مستدرک (2/456) روایت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-8)
9. – ابو داود بشماره (29) و نسائی بشماره (34) و احمد (5/82) و حاكم (1/186) روایت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-9)
10. – سنن أبی داود 1/184، حدیث: 493، شیخ آلبانی می‌گوید: صحیح است. [↑](#footnote-ref-10)
11. - امام بخاری (3860). [↑](#footnote-ref-11)
12. - امام مسلم (2020) روایت كرده است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - به سیره ابن هشام (1/536) و تفسیر ابن كثیر (4/93) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-13)
14. - به تفسیر ابن كثیر (8/310) سوره جن رجوع شود . [↑](#footnote-ref-14)
15. - پناه می برم به كلمه‌های كامل پروردگار از شر آنچه كه آفریده است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - امام مسلم (2708) روایت كرده است. [↑](#footnote-ref-16)
17. - امام مسلم (1978). [↑](#footnote-ref-17)
18. - تفسیر قرطبی (3/ 355). [↑](#footnote-ref-18)
19. - این حدیث را بخاری (5652) و مسلم (2576) روایت كرده است. [↑](#footnote-ref-19)
20. - صحیح بخاری شماره (5652). [↑](#footnote-ref-20)
21. - به فتح الباری (10/115) مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-21)
22. - مسند احمد (4/ 171، 172). [↑](#footnote-ref-22)
23. - مسند احمد (4/170). [↑](#footnote-ref-23)
24. - صحیح بخاری (2444). [↑](#footnote-ref-24)
25. - صحیح مسلم (2199). [↑](#footnote-ref-25)
26. - یعنی: «ستایش خداى راست، پروردگار جهانیان \* بخشاینده مهربان \* خداوند روز جزا \* تنها تو را بندگى مى‏كنیم و تنها از تو یارى میجوییم \* ما را به راه راست ره نما \* راه كسانى كه به آنان انعام كرده‏اى، آنان نه كه مورد خشم قرار گرفته‏اند و نه گمراهان». [↑](#footnote-ref-26)
27. - ترجمه: «الم (الف. لام. میم) \* این كتاب است كه شكّى در آن [روا] نیست. براى پرهیزگاران رهنماست \* كسانى كه به غیب ایمان مى‏آورند و نماز برپاى مى- دارند و از آنچه روزیشان كرده‏ایم انفاق مى‏كنند \* و كسانى كه به آنچه به سوى تو فرو فرستاده شده (قرآن كریم) و به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده (دیگر كتاب‌هاى آسمانى) ایمان مى‏آورند و آنانند كه به [جهان‏] آخرت یقین دارند \* اینانند [استوار] بر هدایت از [سوى‏] پروردگارشان و اینانند كه رستگارند». [↑](#footnote-ref-27)
28. - ترجمه: «و معبودتان، معبود یگانه است. معبود [راستینى‏] جز او نیست. بخشاینده مهربان است \* به راستى در آفرینش آسمانها و زمین و [در پى یكدیگر] آمد و رفت شب و روز و در كشتى‏اى كه در دریا براى بهره‏ورى مردم، روان است و در آنكه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پژمردنش با آن زندگى بخشید و در آن از هر جنبنده‏اى پراكند و در گرداندن بادها و ابر مسخّر بین آسمان و زمین براى گروهى كه خرد مى‏ورزند، نشانه‏هایى است». [↑](#footnote-ref-28)
29. - یعنی: «خداوند [است كه‏] معبود راستینى جز او نیست. زنده [و] تدبیرگر [هستى‏] است. غنودگى و خوابى او را فرا نمى‏گیرد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. چه كسى است كه بدون حكم او در پیشگاهش شفاعت كند؟ گذشته و [حال و] آینده آنان را مى‏داند و به چیزى از علم او جز به آنچه خود خواسته است، احاطه نمى‏یابند. كرسىّ [فرمانروایى‏] او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و حفظ آن دو بر او گران نمى‏آید و او بلند مرتبه بزرگ [قدر] است \* در [كار] دین اجبارى [روا] نیست، به راستى راهیابى از گمراهى آشكار شده است. پس هر كس كه به طاغوت كفر ورزد و به خدا ایمان آورد، [بداند] كه به دستاویزى [بس‏] محكم چنگ زده است [كه‏] آن گسستنى ندارد. و خداوند شنواى داناست \* خداوند كار ساز مؤمنان است، آنان را از تاریكیها به سوى نور بیرون مى‏آورد و كسانى كه كفر ورزیده‏اند، كار سازانشان طاغوت‏اند كه آنان را از نور به سوى تاریكیها به در مى‏برند. اینان دوزخى‏اند. آنان در آنجا جاودانه خواهند بود». [↑](#footnote-ref-29)
30. - یعنی: «رسول [خدا] به آنچه از [سوى‏] پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان [هم‏]. هر یک به خداوند و فرشتگانش و كتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‏اند [و گفتند:] میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمى‏گذاریم و گفتند: شنیدیم و اطاعت كردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [مى‏خواهیم‏] و بازگشت به سوى توست \* خداوند هیچ كس را جز [به اندازه‏] توانش مكلّف نمى‏سازد. [هر كس‏] آنچه [از كارهاى نیك‏] كه انجام دهد، به سود اوست و [هر] آنچه [از گناهان كه به عمد] مرتكب شود به زیان اوست. پروردگارا، ما را [به عقوبت آنچه‏] اگر فراموش یا خطا كنیم، مگیر. پروردگارا، بار گران را بر [عهده‏] ما منه. چنان كه آن را بر [عهده‏] آنان كه پیش از ما بودند، نهادى. پروردگارا، چیزى را كه توان انجامش را نداریم بر ما تكلیف مكن و از ما درگذر و ما را بیامرز و ما را ببخشاى. مولاى ما تویى، ما را بر گروه كافران یارى ده». [↑](#footnote-ref-30)
31. - یعنی: «خداوند كه به داد [همه امور هستى‏] را تدبیر مى‏كند و فرشتگان و عالمان، گواهى دهند كه معبود [راستینى‏] جز او نیست. [آرى‏] معبود [راستینى‏] جز او [كه‏] پیروزمند فرزانه است، نیست \* بى‏گمان دین [حقّ‏] به نزد خداوند، اسلام است. و اهل كتاب جز پس از آنكه علم یافتند [آن هم‏] از روى رشک در میان خود، اختلاف نكردند و هر كس به آیات خدا كفر ورزد [بداند] كه خداوند زود شمار است». [↑](#footnote-ref-31)
32. - یعنی: «پروردگارتان، خدایى است كه آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، آن گاه بر عرش استیلا یافت، شب را به روز مى‏پوشاند در حالى كه آن را به شتاب مى‏طلبد. و خورشید و ماه و ستارگان را در حالى كه به فرمان او مسخّرند [آفرید] بدان كه خلق و فرمانروایى خاصّ اوست. بس بزرگ است خداوند، پروردگار جهانیان». [↑](#footnote-ref-32)
33. - «آیا پنداشتید كه ما شما را بیهوده آفریده‏ایم و شما به سوى ما بازگردانده نمى‏شوید؟ \* خداوند، فرمانرواى راستین، [بسى‏] برتر است. هیچ معبود [راستینى‏] جز او نیست، كه پروردگار عرش گرانقدر است. \* و هر كس كه با خداوند معبود دیگرى را [به نیایش‏] بخواند كه هیچ دلیلى به [حقّانیت‏] آن ندارد، جز این نیست كه حسابش نزد پروردگارش است. بى گمان كافران رستگار نمى‏شوند \*و بگو: پروردگارا، بیامرز و ببخشاى و تو بهترین بخشایندگانى». [↑](#footnote-ref-33)
34. - یعنی: «سوگند به [فرشتگان‏] صف بسته \* و به [فرشتگانى كه مردم را] به سختى [از گناه‏] باز مى‏دارند \* و به آنان كه كتاب خدا را [چنان كه باید] مى‏خوانند \* كه معبودتان یكى است\* پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست و پروردگار مشرقهاست \* ما آسمان فرودین را به زینتى [یعنى به‏] ستارگان آراستیم \* و از [دستبرد] هر شیطان سركشى به خوبى حفظ كردیم \* [در نتیجه‏] به [خبرهاى‏] ملأ اعلى گوش نسپرند و از هر سو سنگباران مى‏شوند \* براى آنكه رانده شوند. و عذاب پیوسته دارند \* مگر كسى كه یكباره [خبرى‏] را برباید. آن گاه شعله‏اى سوزاننده به دنبالش افتد». [↑](#footnote-ref-34)
35. - یعنی: «و چون گروهى از جنّیان را متوجّه تو ساختیم، قرآن را مى‏شنیدند. آن گاه چون [در نزد] او (پیامبر اكرم) حضور یافتند، گفتند: خاموش باشید. پس چون [تلاوت قرآن كریم‏] به پایان آمد، بیم‏كنان به سوى قومشان بازگشتند \* گفتند: اى قوم ما، به راستى ما [تلاوت‏] كتابى را شنیدیم كه پس از موسى فرو فرستاده شده است. تصدیق كننده [كتابهاى‏] پیش از خود است. به حقّ و به راه راست رهنمون مى‏شود \* اى قوم ما، [دعوت‏] دعوتگر الهى را بپذیرید و به او ایمان آورید. تا برخى از گناهانتان را براى شما بیامرزد و شما را از عذاب دردناک در امان دارد \* و كسى كه [دعوت‏] دعوتگر خدا را نپذیرد، در زمین [راه‏] گریزى نداشته و او در برابر خدا دوستانى ندارد. اینان در گمراهى آشكارند». [↑](#footnote-ref-35)
36. - یعنی: «اى گروه جنّ و انس، اگر مى‏توانید از كناره‏هاى آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید. جز به توانى [شگرف از آنها] نمى‏توانید بگذرید \* پس كدامیک از نعمتهاى پروردگارتان را دروغ مى‏انگارید؟ \* شعله‏اى از آتش بر شما فرستاده مى‏شود و [نیز] دودى. آن گاه نمى‏توانید انتقام بگیرید \* پس كدامیک از نعمتهاى پروردگارتان را دروغ مى‏انگارید؟». [↑](#footnote-ref-36)
37. - یعنی: «اگر این قرآن را بر كوهى نازل مى‏كردیم، به یقین آن را از بیم خدا خاكسار و از هم پاشیده مى‏دیدى. و این مثلها را براى مردم مى‏زنیم كه آنان اندیشه كنند \* اوست آن خدایى كه معبود [راستینى‏] جز او نیست. داننده نهان و آشكار. اوست بخشاینده مهربان \* اوست خدایى كه معبود [راستینى‏] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب‏] ایمنى دهنده نگهبان پیروزمند جبّار متكبّر. خداوند از آنچه شرک مى‏آورند پاک است \* اوست خداوند آفریدگار نو آفرین نقشبند. او نامهاى نیک دارد. آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاكى یاد مى‏كند. و اوست پیروزمند فرزانه». [↑](#footnote-ref-37)
38. - یعنی: «بگو: به من وحى شده است كه گروهى از جنّیان [به قرآن‏] گوش فرا دادند، آن گاه گفتند: بى گمان قرآنى شگفت شنیدیم \* كه به سوى راستى راه مى‏نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز كسى را با پروردگار خویش شریک نمى‏آوریم \* و [مى‏دانیم‏] آنكه شأن و شكوه پروردگارمان بس بلند است. همسرى و فرزندى برنگرفته است \* و [مى‏دانیم‏] آنكه كم خردان ما در حقّ خداوند سخن نادرست مى‏گویند \* و ما گمان مى‏كردیم كه آدمى و پرى هرگز بر خداوند دروغ نمى‏بندند \* و آنكه كسانى از آدمیان به كسانى از جنّیان پناه مى‏بردند و [با این كار] بر سركشى آنان افزودند \* و آنان- چنان كه شما پنداشتید- گمان كردند كه خداوند هرگز كسى را [به نبوّت‏] بر نمى‏انگیزد \* و آنكه ما رو به سوى آسمان نهادیم و آن را چنان یافتیم كه از محافظانى نیرومند و شهابهایى پر شده است \* و آنكه ما براى [دزدیده‏] شنیدن [خبر] به نشستنگاه‏هایى مى‏نشستیم. [امّا] اگر كسى اینک گوش فرا دهد براى خویش شهابى آماده مى‏یابد». [↑](#footnote-ref-38)
39. - یعنی: «بگو: خداوند است كه یگانه است \* خداوند بى نیاز است \* نه [فرزند] زاده و نه زاده شده است \* و هیچ كس همتاى او [نبوده‏] و نیست». [↑](#footnote-ref-39)
40. - یعنی: «بگو: به پروردگار سپیده دم پناه مى‏برم \* از شرّ هر آنچه آفریده است \* و از شرّ شب تاریک چون [تاریكى‏اش همه چیز را] فرو پوشاند \* و از شرّ [زنان جادوگر] دمنده در گره‏ها \* و از شرّ رشكوز چون رشک ورزد». [↑](#footnote-ref-40)
41. - یعنی: «بگو: به پروردگار مردم پناه مى‏برم \* فرمانرواى مردم \* معبود مردم \* از شرّ وسوسه‏گر باز پس رونده [به هنگام یاد خدا] \* كسى كه در دلهاى مردم وسوسه مى‏كند \* از جنّیان [باشد] یا از مردمان». [↑](#footnote-ref-41)
42. - به شرح صحیح مسلم (7/494) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-42)